



پس از 'غرقاندن' و زدودن اکبر هاشمی رفسنجانی^[1] و سپس بهلاکت رساندن قاسم سلیمانی که با شراکت و همکاری دولت آمریکا انجام شد^[2]، یکسال و اندی است که مجتبی خامنهای همچون اجل در انتظار حذف ابراهیم رئیسی نشسته بود و اکنون با این رخداد و بهلاکت رسیدن او، چه با برنامه و هدفمندانه و چه بخاطر یک سانحه هوایی یا حتی دست داشتن یک کشور بیگانه، او که واپسین سد راه برای دستیابی مجتبی به ولایت فقیهی بود از میان برداشته شد. از آنرو، قدر مسلم، مجتبی از هم اکنون، خود را 'نشسته بر بالای منبر ولایت فقیهی' می بیند، ولی روزگار او اکنون همچون داستان "درویش خیالباف و کوزه روغن" است، که نه تنها نایستی بخود قول ولایت فقیهی را دهد، بلکه همین کوزه کنونی روغن

را بدست خود شکسته و باسانی قربانی بعدی جنگ قدرت در ایران اشغالی اسلامزده شود.

سپاه انقلاب اسلامی که نام "سپاه آدمخواران اسلامی" برانده آن می باشد، یک نیروی مافیای اقتصادیست که با خشونت، خونریزی و سرکوب خود را بدان جایگاه رسانده است و نه تنها سرانش همچون مجتبی رویای قدرت تام الاختیاری و سروری ایران اشغالی را در سر می پروراند، بلکه مهمتر فداسازی قاسم سلیمانی را نه فراموش کرده اند و نه بخشیده اند. از آنروی سپاه باآسانی می تواند با ایجاد هرج و مرج، در لفافه بحران زدایی و امنیت کشور دست به کودتای نظامی زده و به عمر مجتبی و بسیاری از سران رژیم پایان دهد و سپس بشیوه ای خزنده در نقش "جمهوری دوم" و منجی ملت ظاهر و کنترل ایران را بدست گیرند.

دو دیگر، مشکل دیگر مجتبی، احمد علمالهدی، پدر زن رئیسی است که لشکر فاطمیون را در اختیار دارد و اکنون همچون مار زخمی در پی انتقام برخواهد آمد و به هیچ روی پروانه نخواهد داد تا مجتبی بدین آسانی ولی فقیه شود. بویژه آنکه، آن دسته از سران سپاه و نمایندگان خبرگان که برای ولایت فقیهی مجتبی خطر بشمار می رفتند کنار گذاشته شده ولی هنوز دارای نفوذ و قدرت می باشند، بیاری علم الهدی در انتقامجویی اش خواهند شتافت. هر چند که بدور دیده نمی شود که مجتبی تلاش کند تا پیش دستی کرده و علمالهدی را یا به بهانه‌های خانه نشین و صدایش را خفه سازد، یا حتی همچون دیگر مخالفینش سر به نیست سازد. باری جای دارد تا اشاره شود، دو مخالف دیگر او، سرتیپ پاسدار محمدرضا زاهدی و حجت الله امیدوار (معرف به حاج صادق)، که هر دو از سران سپاه قدس و نه تنها از نزدیکان قاسم سلیمانی بلکه هواداران جدی رهبریت سلیمانی پس از مرگ علی خامنهای بشمار می رفتند، طی یورش هوایی اسرائیلی ها به کنسولگری رژیم در دمشق بهلاکت رسیدند. اکنون این مساله نیز می تواند موجب ایجاد شایعاتی پیرامون رابطه مجتبی با اسرائیلی ها بر سر زبان ها جاری سازد و ادعا شود همانگونه که پدرش با ترامپ، نقشه بهلاکت رساندن قاسم سلیمانی را در عراق باجرا گذارد، مجتبی نیز پروژه حذف زاهدی و امیدوار را با تئانیاهو عملی کرده است.

در نتیجه اگر مجتبی نخواهد قربانی دسیسهای خود شود، یا بایستی هر چه زودتر هر چه مخالف باقی مانده را از میان بردارد، یا رویای ولایت فقیهی را برای همیشه فراموش کند، بویژه آنکه خامنه ای به گمان زیاد مرده است^[3] و دیگر نمی تواند حافظ او باشد.

بهر روی، مساله مهمی که بایستی بدان اشاره کرد، احتمال کودتای سپاه با شکست رژیم است که بخاطر پسماند شکست سیرک انتخابات رژیم که سرنگونی رژیم را یا از درون یا از برون حتمی ساخته، افزایش یافته است. [4, 5] زیرا که سران سپاه بخوبی آگاهند با سرنگونی رژیم، سپاه نیز سرنگون خواهد شد و در ایران آینده بایستی پاسخگویی جنایات و خیانت های ۴۵ سال خود به ملت ایران شوند. از آنروی راه چاره را همچون تکرار "پوتین پس از سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی" در ایران و با ایجاد یک "جمهوری دوم" می بینند تا با رشوه به آمریکا و بریتانیا چند دهه دیگر قدرت را در ایران برای خود متضمن شوند، بویژه آنکه شوربختانه اپوزیسیون کارآرایی وجود ندارد که توان زمین زدن نه این رژیم و نه رژیم بعدی را داشته باشد.

دو دیگر، شوربختانه گفته "شکم حرف اول را می زند" یک حقیقت تلخ است و اگر سپاه در قالب جمهوری دوم، نه تنها حجاب اجباری را از ایران برچیند، بلکه برای مدتی فشارهای اقتصادی را از دوش ملت ایران برداشته و پروانه دهد تا ملت نفسی کشند و نانی بدون ترس و هراس و سردرد، حتی در زیر سایه اختناق و سانسور تناول کنند، بخش بزرگی از ملت ایران از جمله "قشر خاکستری" [6] هر گونه مخالفتی را با سپاه و رژیم نو کنار خواهد گذارد و نسلی همچون این نگارنده که در ۴۵ سال گذشته بامید آزادی ایران و بازگشت به میهن با رژیم مبارزه کرده ایم، بایستی رویای بازگشت را همچون مجتبی و رویای ولایت فقیهی را بدست فراموش سپاریم.

اگر ما مخالفین رژیم و هواداران آزادی، آبادانی و سربلندی ایران، غیر از این می خواهیم، بایستی از ۴۵ سال بازی های کودکانه که نامش را فعالیت سیاسی گذارده ایم، از تک روی، منم منم در آوردن، خودستایی و خودشیفتگی و فرقه بازی دست برداشته و همه ما در زیر یک پرچم و تحت رهبری یکتا، که شاهزاده رضاپهلوی است گرد آمده و نیروهای مبارزاتی خود را علیه استبداد و فاشیست مذهبی متشکل و منسجم ساخته و بمعنای راستین کلمه "یک اپوزیسیون کارآرای ملی" که نه تنها به "ایران یکپارچه یک ملتی و تک ملیتی و درفش ملی شیر و خورشید نشان" باورمند باشد، بلکه خیزشساز باشد را بپا سازیم.

بایران و آیندهاش بیاندیشیم، که روزهای بسیار بحرانی را پیش روی دارد.

شاپور سورنپهلاو

روز و همن از ماه اردیبهشت سال ۳۷۶۲ بهدینی

۳۱ اردیبهشت ۲۵۸۳ شاهنشاهی

۲۰ می ۲۰۲۴ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: [3UQFGCP/ly.bit//:https](https://3UQFGCP/ly.bit/)

1 - <https://bit.ly/3WL2FBN> جنگ کفتاران: برنده که خواهد بود، رفسنجانی یا خامنه‌ای - "

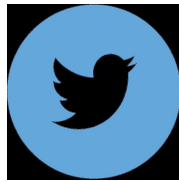
2 - <https://bit.ly/3QR48Ti> ترور قاسم سلیمانی، طرح مشترک جمهوری اسلامی و آمریکا - "

3 - <https://bit.ly/3eeBviF> خامنه‌ای مُرد: خلاء قدرت، جنگ کفتارها و لاشخورها و سونامی مرگباری در کمین ایران - "

4 - <https://bit.ly/48CimNP> پیروزی کارزار "نه به سیرک انتخابات" و شکست رژیم فاشیست اسلامی، تحت رهبری شاهزاده رضاپهلوی - "

5 - <https://bit.ly/3wxV6mV> The Imperative of Voter Participation: Unravelling the Paradox of Authoritarian Governance in Iran under the Islamic Regime's Rule - "

6 - <https://bit.ly/3hMVh6W> خاکستریان: قشر دو زیستان ایران و یکی از بزرگترین سدها در راه واژگونسازی رژیم از قدرت - "



وجه مشترک مجتبی خامنهای با بازی کلاغ پر و داستان درویش خیالپرداز و کوزه روغن

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلاو
دوشنبه ۳۱ ارد بهشت ۱۴۰۳ ساعت ۰۸:۰۵

#419ab3

وجه مشترک مجتبی خامنهای با بازی کلاغ پر و داستان درویش خیالپرداز و کوزه روغن

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلاو
دوشنبه ۳۱ ارد بهشت ۱۴۰۳ ساعت ۰۸:۰۵

□